دانشمندی که عارف بود و مجاهد

پای خاطرات «مهدی چمران» برادر کوچک‌تر شهید دکتر «مصطفی چمران»

۲۲

برستیغ معرفت تربیت و شهادت

گذری بر زمانه و کارنامه شهید «محمدصادق امانی همدانی»

۲۳

ژانر: عربده

فیلم‌ها و سریال‌های ایرانی چه تصویری از لمپن‌ها ارائه می‌کنند

۲۴

همشهری فرهنگ

سه‌شنبه ۳۱ خرداد ۱۴۰۱ ■ ۲۱ ذی‌القعده ۱۴۴۳ ■ سال سی‌ام ■ شماره ۸۵۲۵

عکس: شایان سبزعلی

تهیه‌کننده «چند می‌گیری گریه کنی؟ ۲» در گفت‌وگو با همشهری عنوان کرد:

فیلمم را مجانی به تلویزیون می‌دهم

گفت‌وگو

ساخت فیلم‌های دنباله‌دار در هالیوود امری رایج و معمولا سودآور است. در سینمای ما هم برخی فیلم‌ها به‌دنباله دوم یا سوم رسیده و از امتیازهای اقتصادی این نوع فیلم‌ها بهره برده‌اند. سال گذشته، قسمت سوم «گشت ارشاد» ساخته سعید سهیلی روی پرده رفت و با فروشی بیش از ۴۲میلیارد تومان به دومین فیلم پرفروش سینمای ایران بدل شد. یکی از تازه‌ترین فیلم‌های دنباله‌دار که مدتی است اکران شده، «چند می‌گیری گریه کنی؟ ۲» به کارگردانی علی توکل‌نیا و تهیه‌کنندگی حسن توکل‌نیاست. قسمت نخست این فیلم سال ۱۳۸۴ به کارگردانی شاهد احمدلو و با فیلمنامه مشترکی از محسن تنابنده و حسن وارسته ساخته شد. این فیلم در سال ۱۳۸۵ اکران شد و با ۶۰۷هزار و ۲۹۱نفر تماشاگر و قیمت بلیت تقریبا ۸۰۰تومان کمی بیش از ۴۸۰میلیون تومان در گیشه فروخت. قسمت نخست «چند می‌گیری گریه کنی؟» از بیست‌وچهارمین جشنواره فیلم فجر در سال ۱۳۸۴ دیپلم افتخار برای انتقال مفاهیم معنوی در سینما را برای شاهد احمدلو و سیمرغ بلورین نقش مکمل مرد را برای حمید لولایی به ارمغان آورد. قسمت دوم این فیلم که از ۲۸اردیبهشت روی پرده رفته، در حدود ۳میلیارد و ۳۹۳میلیون تومان فروخته و حدود ۱۰۷هزار تماشاگر داشته است. با حسن توکل‌نیا، تهیه‌کننده این فیلم درباره اینکه چطور بعد از بیش از یک‌دهه به فکر ساخت قسمت دوم این فیلم افتاده و نیز وضعیت این روزهای سینما گفت‌وگو کرده‌ایم.

فاصله بین قسمت اول و دوم فیلم‌تان خیلی زیاد است. معمولا فیلم‌های دنباله‌دار در فواصل زمانی کوتاه‌تری ساخته می‌شوند تا تماشاگر قسمت قبلی را فراموش نکند.

راستش ما کمی دیر جنبیدیم. قسمت دوم این فیلم را سال ۱۳۹۸ ساختیم، اما به‌دلیل شیوع کرونا دست نگه داشتیم تا فیلم را در زمان مناسبی اکران کنیم. حالا هم به‌دلیل قیمت بلیت سینما و وضعیت اقتصادی استقبال مردم از سینما کم شده است. به هر حال قبول دارم که فاصله بین این ۲فیلم زیاد است.

اصلا چطور شد که به فکر ساخت قسمت دوم افتادید؟

مردم قسمت اول را دوست داشتند و در تمام سال‌هایی که از اکران قسمت اول می‌گذرد، دوستان و تماشاگران به ما می‌گفتند قسمت دوم «چند می‌گیری گریه کنی؟» را بسازید. ما اولش این حرف‌ها را به‌حساب لطف دوستان و علاقه تماشاگران می‌گذاشتیم و می‌گفتیم آن فیلم تمام‌شده و نمی‌شود ادامه آن را ساخت تا اینکه داستان خوبی به‌دست ما رسید و قانع شدیم که قسمت دوم را بسازیم.

حالا خودتان از قسمت دوم راضی هستید؟

فیلم خوبی شده است. نمی‌گویم از یک بهتر شده، ولی فیلم قابل دیدنی است. نسبت به فیلم اول، کمدی‌اش بیشتر است و تماشاگر را راضی می‌کند. واقعیت این است که فیلم اول در زمان اکرانش که فیلم‌های پرفروش معمولا بیش از یک میلیارد می‌فروختند، تنها حدود ۴۰۰میلیون‌وخرده‌ای فروخت؛ چون در هفته سوم اکران نسخه قاچاقش درآمد، اما چون این فیلم را بارها و بارها تلویزیون و شبکه‌های ماهواره‌ای پخش کرده‌اند، خیلی‌ها آن را دیده‌اند. به‌جرأت می‌گویم از هر ۳نفر، ۲نفر این فیلم را دیده‌اند و تماشاگران هنوز آن را فراموش نکرده‌اند.

کسی که قسمت اول را ندیده باشد، از قسمت دوم سردرمی‌آورد؟

داستان قسمت دوم درباره جوانی است که از خارج به ایران می‌آید تا ارثیه‌اش را بگیرد، اما پدرش برای او شرط گذاشته که اول برای ۷خانواده بی‌بضاعت ۷مراسم عزاداری بگیرد و خودش هم در این ۷مراسم شرکت کند تا بتواند به مال و اموال برسد. این پسر فرزندِ رضا شایسته است که در قسمت اول نقشش را مرحوم منوچهر نوذری بازی می‌کرد. حالا اگر کسی قسمت اول را دیده باشد که متوجه برخی شباهت‌ها با قسمت اول می‌شود و اگر ندیده باشد، به‌راحتی داستان قسمت دوم را می‌فهمد.

حضور مرحوم نوذری در قسمت اول و فوت ایشان هم در شهرت قسمت اول بی‌تأثیر نبود.

مطمئنا همینطور است. اگر ایشان هنوز در قید حیات بود، خیلی زودتر قسمت دوم را می‌ساختیم. راستش بدون حضور مرحوم نوذری فکر نمی‌کردیم بشود قسمت دوم را ساخت. قسمت اول طنز تلخی داشت که فوت مرحوم نوذری این تلخی را بیشتر کرد و شاید حتی باعث شد که در زمان اکرانش مردم به دیدن این فیلم نروند، اما بعدها این فیلم بین مردم محبوب شد.

در قسمت دوم، علاوه بر حمید لولایی و ابوالفضل پورعرب که در قسمت اول هم حضور داشتند، حامد آهنگی و اشپیتیم آرفی هم بازی کرده‌اند. آهنگی و آرفی چطور انتخاب شدند؟

لولایی و پورعرب که هر دو استاد هستند و بزرگ ما. از حامد آهنگی هم بسیار راضی هستیم. او درواقع جایگزین شخصیت نوحه‌خوان قسمت اول شد و به‌خوبی هم نقشش را ایفا کرد. برای نقش پسر رضا شایسته هم که از خارج می‌آید به کسی نیاز داشتیم که فارسی را با لهجه حرف بزند. به لطف دوست خوبم اصغر نعیمی با اشپیتیم آرفی آشنا شدیم و آرفی نقشش را با لهجه خیلی خوب ایفا کرد.

قصد دارید قسمت سوم را هم بسازید؟

خودم که امیدوار هستم این اتفاق بیفتد.

وضعیت کلی این روزهای سینما را چطور می‌بینید؟

اگر دست‌های مختلفی به سفره سینما دراز نشود، وضع سینمای ایران خوب است. بخش خصوصی می‌تواند به‌خوبی در سینما تولیدکننده باشد، اما چرا دولت فیلم تولید می‌کند؟ اگر دولت قرار است فیلم تولید کند، این کار را به بخش خصوصی بسپارد. الان فیلم‌های دولتی در اکران شکست خورده‌اند. قبلا به فیلم‌ها بیلبورد شهری رایگان داده می‌شد، اما الان داده نمی‌شود. چرا این حمایت قطع شد؟ چرا وزارت ارشاد از تهیه‌کنندگان خصوصی حمایت نمی‌کند؟ دولت به جای فیلم ساختن باید از تهیه‌کنندگان بخش خصوصی حمایت کند. اگر می‌خواهد فیلم بسازد، این کار را به تلویزیون بسپارد که حداقل چندین میلیون نفر یک فیلم را ببینند، نه اینکه در سینما فقط ۸۰هزار نفر بیننده فیلم دولتی باشند. فیلم من الان در سینما آزادی سانسی ندارد، چون فیلم‌های دولتی همه سانس‌ها را گرفته‌اند. دولت - به جای تولید - باید نظارت کند. امیدوارم این اتفاقی که با انتخاب شورای صنفی نمایش شروع شده و قرار است دولت فقط نظارت کند، نتیجه خوبی داشته باشد. تلویزیون به فیلم من فقط یک تیزر ۳۰ثانیه‌ای رایگان داده که اصلا کسی متوجه آن نمی‌شود. من حاضرم فیلمم را مجانی به تلویزیون بدهم که بعد ۵-۶ماه آن را پخش کند و در عوض ۵۰تا تیزر رایگان به من بدهد.

فصل باران‌های موسمی

اکران بهار ۱۴۰۱ یکی از کم‌رونق‌ترین موسم‌های نمایش عمومی در همه این سال‌ها بود

اکران

مسعود پویا
روزنامه‌نگار

اکران بهار ۱۴۰۱ درحالی به نقطه پایانی رسید که شاهد کم‌رونق‌ترین موسم نمایش عمومی تاریخ سینمای ایران بودیم؛ اکرانی که فقط نسبت به زمان مشابه در بهار سال‌های ۹۹ و ۱۴۰۰ پررونق‌تر بود؛ دورانی که کرونا سیاه‌ترین روزگار اکران را رقم زده بود. در بهار ۹۹ که تقریبا اکرانی در کار نبود و کرونا کرکره سینماها را نه فقط در ایران که تقریبا در سراسر جهان پایین آورده بود. در بهار ۱۴۰۰ هم وضعیت تفاوت چندانی با سال قبلش نداشت؛ بنابراین اگر بخواهیم به مقایسه وضعیت گیشه بهار امسال با ادوار گذشته بپردازیم باید سراغ سال‌های قبل از کرونا برویم؛ مقایسه‌ای که سینما دیلی با قیاس میان گیشه بهار امسال با اکران بهار ۹۸ انجام داده است؛ یعنی یک بهار قبل از بحران کرونا.

کاهش ۶۰ درصدی مخاطبان

بحران کرونا در ایران تقریبا تمام‌شده، اما برای سینما اتفاقی نیفتاده است. بلیت‌های گران‌قیمت کنسرت‌های سهراب پورناظری و همایون شجریان به سرعت فروخته و حتی نایاب می‌شود و بلیت ۴۵هزار تومانی سینما روی دست می‌ماند؛ وضعیتی که باعث شده با پایان بهار ۱۴۰۱ آمار مخاطبان سینمای ایران نسبت به همین مقطع از سال ۹۸ تقریبا یک‌سوم شود! با بررسی ۳بهار گذشته سینمای ایران (منهای سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۳۹۹ که سینمای ایران عملا تعطیلات کرونایی را پشت سر می‌گذاشت) به این نتیجه می‌رسیم که سینمای ایران به نسبت سال‌های ۹۷ و ۹۸ افت ۶۰درصدی مخاطب را تجربه کرده است. در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ به‌ترتیب ۹میلیون و ۹۶۰هزار نفر و ۹میلیون و ۸۳۰هزار نفر در فصل بهار به سینما رفتند. بهار سال ۱۴۰۱ در شرایطی به پایان رسید که تعداد تماشاگران کل اکران بهار به رقم ۳میلیون و ۸۰۰هزار نفر رسید که نیمی از این تعداد هم در فروردین‌ماه به سینما رفتند و در اردیبهشت و خردادماه شاهد افت شدید مخاطب بودیم. در بهار سال ۱۴۰۱ تنها یک فیلم با بیش از یک‌میلیون مخاطب داشتیم و در میان آثار غیرکمدی بیشترین مخاطب را فیلم «موقعیت مهدی» با ۴۰۰هزار تماشاگر به‌خود اختصاص داده است؛ یک پنجم پرفروش‌ترین فیلم غیرکمدی سال ۹۸! حالا سراغ سال ۹۸ برویم؛ در این سال و با بلیت ۲۰هزار تومانی فیلم اجتماعی «متری شیش و نیم» به‌تنهایی ۲میلیون و ۲۰۰هزار تماشاگر داشت و ۲فیلم کمدی «رحمان ۱۴۰۰» و «تگزاس ۲» هم حدود ۲میلیون تماشاگر را به سینما کشانده بودند. همچنین در بهار ۹۷ و با بلیت ۱۵هزار تومانی هر ۳فیلم «لاتاری»، «مصادره» و «به وقت شام» بیش از ۱.۵ میلیون مخاطب را جذب کردند و در همان فصل بهار هم فیلم‌های «تگزاس» و «فیلشاه» یک میلیون مخاطب داشتند. نشانه‌ها آنقدر هست که سینمای ایران و مدیرانش دیر یا زود باید بحران قهر تماشاگر را بپذیرند؛ مدیرانی که خیلی زود باید یک ستاد بحران برای سینمای ایران تشکیل دهند؛ پیش از آنکه ناچار به مدیریت یک صنعت ورشکسته باشند.

بلیت گران برای فیلم‌های غیرجذاب

از ابتدای سال، رسانه‌ها بارها به مسئله گرانی بلیت سینماها اشاره کرده‌اند. اینکه بلیت ۴۵هزار تومانی برای مخاطب سینمای ایران (که معمولا بیشتر در دایره طبقه متوسط قرار می‌گیرد) گران است واقعیتی است انکارناپذیر. اما کنار موضوع مهم بهای بلیت، باید نکته دیگری را هم درنظر گرفت؛ اینکه فیلم‌های اکران شده در این ۳ماه چقدر واجد جذابیت بوده‌اند؟ همین ترکیب اخیر اکران بهار را در نظر بگیرید، در چیدمان فیلم‌ها چقدر موضوع جذابیت لحاظ شده است؟ سینمای ایران با این بهای بلیت و این میزان تورم، چگونه قرار است مخاطب کم‌حوصله و خسته را جذب کند؟ مدیران سینمایی باید ابتدا به این پرسش‌ها پاسخ دهند. هرچند بیشتر فیلم‌های اکران شده در بهار امسال در دولت قبل پروانه ساخت گرفته‌اند، ولی چیدمان و انتخاب فیلم‌ها را باید به پای محمد خزاعی و همکارانش نوشت که مدتی هم در غیاب شورای صنفی نمایش، عملا به تصدی‌گری اکران پرداختند؛ موضوعی که به‌نظر می‌رسد با انتخاب اعضای جدید شورای صنفی نمایش، ختم به خیر شده است. مشکل اصلی اما همچنان پابرجاست؛ اغلب محصولات سینمای ایران نمی‌توانند مردم را مجاب به سینما رفتن کنند.

آنچه به شهادت گیشه می‌توان گفت این است که فقط کمدی ممکن است در حد متوسطی تماشاگر داشته باشد و بقیه فیلم‌ها که در ژانرهای دیگر ساخته شده‌اند نباید انتظار موفقیت تجاری و بازگشت سرمایه داشته باشند. نکته تلخ و نگران‌کننده‌ای که نه تحلیل که خبر است؛ خبری مبتنی بر آمار گیشه که با این روزها فقط با موضوع گرانی بلیت توجیه می‌شود، اما همه می‌دانند که داستان فقط بهای بلیت سینماها نیست و بخشی از بحران موجود را باید در خود فیلم‌ها و فرایند گزینش و چیدمان اکران جست‌وجو کرد؛ بحرانی که با تداوم این روند، ابعاد نگران‌کننده‌تری به‌خود خواهد گرفت.

خبر تازه از تئاترشهر

ضوابط و مقررات حفاظتی عرصه و حریم تئاتر شهر توسط کارشناسان فنی کمیته تعیین حریم آثار تاریخی کشور در وزارت میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری تعیین و به مدیریت مجموعه تئاتر شهر اعلام شد. به‌گزارش همشهری، سیدمحمد جواد طاهری، رئیس تئاتر شهر درباره این خبر توضیح داد: «طی روزهای گذشته جلسه مشترکی با نمایندگان اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی استان تهران در تئاتر شهر برگزار و براساس آن ضوابط و مقررات حفاظتی عرصه و حریم این اثر تاریخی هنری با شماره ثبت ۱۲۲۷۶ توسط کمیته تعیین حرائم آثار تاریخی کشور، تعیین و ارائه شد.» وی ادامه داد: «آنچه انجام گرفته محصول رایزنی‌های فراوانی است که مدیریت گذشته و فعلی اداره کل هنرهای نمایشی روی اجرایی شدن آن تأکید فراوانی داشتندو بسیار خوشحالیم که به واسطه این همراهی‌ها شاهد اتفاقی هستیم که می‌تواند نقطه شروع بسیار ارزشمندی برای بهسازی و مناسب‌سازی محوطه تئاتر شهر برای استفاده تمامی شهروندان، تماشاگران و هنرمندان فرهیخته هنر نمایش باشد. در این راه شهرداری تهران به‌عنوان یک بازوی قدرتمند اجرایی که طی ماه‌های اخیر همکاری‌های بسیار خوبی با وزارت ارشاد برای حل مشکلات پیرامونی تئاتر شهر داشته است، می‌تواند آغازگر فصل تازه‌ای از همکاری‌ها و اجرای پروژه‌های مختلف فرهنگی برای بهبود شرایط باشد.» رئیس تئاتر شهر از اجرایی شدن طرح‌ها و ایده‌های مرتبط با بهسازی حریم مجموعه تئاتر شهر بعد از برگزاری جلسات تخصصی با کارشناسان حوزه‌های مختلف و مدیران مجموعه‌های مرتبط از جمله شهرداری تهران در این زمینه، طی روزهای آینده خبر داد. ضوابط و مقررات حفاظتی عرصه و حریم اثر تاریخی تئاتر شهر در ۲ بخش «ضوابط و مقررات حفاظتی عرصه» و «ضوابط و مقررات حریم» ارائه شده است.

مرتضی ادیب‌زاده، اسماعیلی اسرایی و مریم اصغری نیا به نمایندگی از اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی استان تهران عملیات کارشناسی، تهیه و ترسیم نقشه‌های مربوط به ضوابط و مقررات حفاظتی عرصه و حریم تئاتر شهر را با کنترل و نظارت سرپرستی گروه بررسی و تعیین حرایم به‌عهده داشته‌اند.

■■■

دستگیری کارگردان تصادف در ایتالیا

پل هگیس فیلمنامه‌نویس، کارگردان و تهیه‌کننده مشهور که در سال ۲۰۰۳ به‌خاطر ساخت فیلم «تصادف» برنده ۲جایزه اسکار شده بود، به‌دلیل اتهام آزار به یک زن در ایتالیا دستگیر شد. براساس اخبار و گزارش‌هایی که در ورایتی و روزنامه کوریرا دلاسرا منتشر شده، پل هگیس در شهر کوچک استونی در جنوب ایتالیا دستگیر شده است. پل هگیس به استونی رفته بود تا در جریان جشنواره آلورا که قرار است از ۲۱ تا ۲۶ ژوئن برپا شود، در کلاس‌های پیشرفته فیلمنامه‌نویسی شرکت کند. برگزارکنندگان این رویداد سینمایی نیز در بیانیه‌ای اعلام کردند که پس از انتشار خبر تجاوز احتمالی هگیس و دستگیری‌اش به به اتهام خشونت شوکه شده‌اند و بلافاصله درصدد حذف وی از شرکت در این رویداد برآمده‌اند.

یادداشت

علیرضا مختارپور
رئیس کتابخانه ملی ایران

این کار مهدوی نیست

دکتر احمد مهدوی دامغانی پس از عمری تلاش در جهت حفظ و اشاعه میراث غنی فرهنگ ایرانی-اسلامی، روز ۲۷ خرداد ۱۴۰۱ از دنیای فانی به دیار باقی مهاجرت کرد. به‌عنوان بزرگداشت آن مرحوم، به ذکر خاطره‌ای از ایشان که نشان‌دهنده اهمیت دقت در تصحیح متون است، می‌پردازم. این خاطره از زبان ایشان در کتاب آیینه در برابر خورشید نقل شده که عینا نقل می‌شود:

«کتابی در تاریخ ادبیات شیعه هست به نام نسمه‌السَّحر بذکر مَن تشیع و شعر (یعنی نسیم سحری درباره نام بردن و شرح احوال شاعرانی که هم شیعه بودند و هم شاعر. این کتاب ۳،۲ نسخه‌ای داشته و یک کسی که حرفه‌اش این نبوده آن را چاپ کرده است، سراسر غلط!) ...

باری پیدا کردن نسخه‌های خطی کتاب نسمه‌السَّحر را شروع کردم. از کتاب‌های کتابخانه آقای مرعشی، آقای روضاتی، آستان قدس و چند جای دیگر، ۳نسخه را پیدا کردم و شروع به نوشتن کردم...

جلد اولش را که چاپ شد، منتشر کرده بودند و وقتی به من رسید، دیدم پرغلط است. آن کسی که خیال می‌کردم غلط‌گیری می‌کند، به کلی عامی بوده است. اتفاقاً وقتی آقای صادق خرازی این را خدمت حضرت آقای خامنه‌ای می‌برد، آقای خامنه‌ای می‌گوید: این کار مهدوی نیست. این چیست؟ یعنی چه؟! بعد وقتی این را فرمودند (چون من هم گله‌گزاری کرده بودم) آقای خرازی به عرض‌شان رسانده‌اند که بله، خود آقای مهدوی هم ناراضی است. این بود که امر فرمودند تا همه را خمیر کنند. فرمودند که چاپ جدید شود. من هم در مقدمه جلد دوم نوشتم که ایشان این منت را به من دارند و آبروی مرا حفظ کردند. بعد خودم تصحیح کردم.

اخیراً در کتاب سایه سرو ـ که دوستان راجع به من نوشتند ـ دیدم یک آقایی غلط‌های چاپ اول را به پای این گرفته که کار من است. دیدم حوصله این را که جواب بدهم ندارم. گفتم: خیلی خوب... خدا خیرش دهد! در مقدمه چاپ دوم، همین شرح را نوشتم که: متشکرم از آقای خامنه‌ای که دستور دادند کتاب‌ها از بین برود و دومرتبه چاپ و حروفچینی شود و خودم غلط‌گیری کردم. بعد یک شعری از ابی‌تمام (حبیب‌بن‌اوس) (۲۳۱-۱۸۸) شاعر بزرگ شیعه عرب آوردم (این ۳شاعر بزرگ عرب یعنی متنبّی و بُحتری و ابی‌تمّام، هر ۳ بر ایران حق بزرگی دارند. ابی‌تمّام شاعر شیعی است که بهترین قصاید راجع به حضرت علی علیه‌السلام را او سروده است.) شعری دارد که در خطاب به یک وزیری می‌گوید:

ـ تو آبروی من را حفظ کردی؛ درحقیقت، جان من را حفظ کردی.[۱]

[۱]. و ما أُبالی و خیرُ القول أصدَقُهُ / حَقنتَ لی ماءَ وجهی، أو حقَنتَ دمی.»

منبع: علوی‌زاده، سیدمحسن و حسینی‌نورزاد، سیدحسین، ۱۳۹۹. آیینه در برابر خورشید، دیدار و شناخت زندگی استاد دکتر احمد مهدوی دامغانی، تهران، نشر نی، ص ۲.

نکوداشت آقای بازیگر

امروز نود و هفتمین سالگرد تولد آقای بازیگر است و قرار است پس از ۳سال نکوداشتی برای عزت‌الله انتظامی برگزار شود. مدیر خانه - موزه انتظامی در این رابطه به ایسنا گفت: امروز - سه‌شنبه ۳۱خرداد - ساعت ۱۹ مراسم نکوداشت و تولد آقای انتظامی را داریم که این کار با همکاری و حضور انجمن بازیگران خانه سینما، مؤسسه هنرمندان پیشکسوت و معاونت اجتماعی منطقه یک شهرداری تهران در محل خانه - موزه برگزار می‌شود و امیدوارم پس از ۳سال که نتوانستیم برنامه‌ای را تدارک ببینیم، امسال مراسمی شایسته و درخور اجرا شود تا مردم هم بتوانند استفاده کنند. شکرخدا گودرزی درباره وضعیت بازدید مردم و اجرای نمایش در خانه - موزه انتظامی پس از روزهای اوج شیوع کرونا بیان کرد: بازدید از خانه - موزه انجام می‌شود ولی با توجه به ساعت کار که دولت اعلام کرده برای مردم و علاقه‌مندان امکان بازدید از ۸صبح تا ساعت ۱۳:۳۰ فراهم است. درباره اجراها هم در حال گفت‌وگویی با چند گروه نمایشی هستیم تا پس از نمایش کودک که تازه تمام‌شده اجرای جدیدی روی صحنه برود. گودرزی درباره برخی مواردی که پیش‌تر مجید انتظامی - فرزند عزت‌الله انتظامی - درباره تغییرات خانه - موزه و نیز حضور یکی از اعضای خانواده در مدیریت آنجا مطرح کرده بود و اینکه آیا اتفاق تازه‌ای در این‌باره رخ داده است؟ توضیح داد: از آنجا که بخاطر کرونا همه‌چیز تعطیل بود، واقعیت امر این است که شرایط برای پیگیری وجود نداشت و همه کارها مختل شده بودند، اما طبیعتا نگاه من این است که آقا مجید انتظامی حضوری جدی در خانه - موزه داشته باشند. البته این را تأکید می‌کنم که صرفا با خواست من این کار شدنی نیست، چون یک تصمیم بالادستی است تا مدیریت خانه - موزه به‌صورت هیأت امنایی شود. من تلاش خود را به‌عنوان فردی که تمایل دارم یک نفر از خانواده آقای انتظامی حضور داشته باشد، حتما خواهم کرد تا نشانی از خانواده انتظامی را در اینجا داشته باشیم، اما هیأت امنایی شدن باید توسط شهرداری و سازمان فرهنگی به نتیجه برسد که فقط هم این یک موزه نیست و چند مکان دیگر مثل موزه دکتر حسابی، شهید مطهری و شهید بهشتی هم همین شرایط را دارد و اگر قرار باشد اتفاقی بیفتد باید برای همه آنها، بیفتد.